

# تحلیل لحظه وراه برون رفت از بحران کنونی

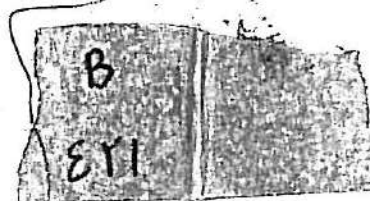


سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تکثیر از :

مؤاداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
در خارج از کشور

بها «۲» روییه





انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی میهنمان پس از آنکه در آستانه تعرض به مناسبات اجتماعی به سگون و توقف طولانی کشیده شد. اکنون در نتیجه غلبه جناح محافظه کار راستگرا که از غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی دفاع می کند و خواهان سازش با امپریالیسم است سیر بازگشت می پیماید.

در انقلاب ۲۲ بهمن، سرنگونی رژیم آمریکایی شاه، یعنی در هم شکستن حاکمیت امپریالیسم و طبقات وابسته به آن با شرکت طیف گسترده ای از اقشار و طبقات گوناگون به ثمر رسید. در کنار کارگران و دهقانان زحمتکش که ستون انقلابند و همراه با پیشه وران، کسبه، توده کارمندان، روشنفکران زحمتکش و دیگر اقشار بینایی جامعه، بخشی از بورژوازی ایران که با وابسته نبود و یا کمتر وابسته بود در نخستین مرحله انقلاب لنگان و ترسان شرکت کرد، روحانیت ایران که هم بورژوازی متوسط و کوچک ایران و هم بخشهایی از اقشار زحمتکش جامعه سخنگویانی در آن داشته و دارند در انقلاب نقش ویژه ای ایفا نمود. انقلاب با رهبری امام خمینی نظام شاهنشاهی و رژیم آمریکایی شاه را برانداخت. نقش تاریخی امام خمینی این بود که خواستهای مردم انقلابی را در چهارچوب جنبه های ضد استبدادی، ضد سلطنتی و غارتگری اجتماعی بسیج کرد و انقلاب را با پشتوانه توده های کم نظیری در مرحله اول آن به پیروزی رساند.

روشن است که هر یک از طبقات و اقشار با انگیزه های طبقاتی خاص خود در انقلاب شرکت کرده بودند، از انقلاب برداشتهای متفاوتی در سر داشتند و در پیروزی آن تحقق آمحیای متفاوت و حتی متضادی را جستجو می کردند. نیروهایی که با پیروزی انقلاب بر کرسی قدرت سیاسی نشستند حامل تضادهایی بوده اند که از سنگبری اجتماعی و طبقاتی متفاوت و متضاد آنان ناشی می شود. در طرح برنامه سازمان این دوگانگی ترکیب طبقاتی حاکمیت به شرح زیر جمع بندی شد. درون طیف حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان نمایندگان اقشار و طبقات متفاوتی که همه روی اسلام تکیه می کنند حضور دارند. در حاکمیت از یکطرف نیروهایی هستند که می کوشند نظام غارتگرانه سرمایه داری را پابرجا نگاهدارند و آن را گسترش دهند (آنها هنوز به پیشرفت این سیاست امیدوارند و از همین رو خود را در موضع دفاع از جمهوری اسلامی ایران قرار می دهند) از طرف دیگر نیروهایی هستند که در برابر امپریالیسم ایستاده اند و می کوشند بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری را براندازند، سرمایه داری را لحام زنند و کشور را بسوی عدالت اجتماعی سوق دهند. . . . حاکمیت جمهوری اسلامی ایران طبقاتی است که در یک منتهای آن نمایندگان بخشی از طبقات زحمتکش که از ستم سرمایه داری و امپریالیسم رنج می بردند قرار گرفته اند و در منتهای دیگر آن نیروهایی قرار گرفته اند که از منافع طبقاتی سرمایه داران دفاع می کنند و هدف اصلی آنها عوض کردن جهت ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران و حفظ و گسترش نظام غارتگرانه سرمایه داری است. نکته پراهمیت و عنصر کلیدی در درک رویدادهای جاری کشور در اینست که آن نیروهایی که در برابر امپریالیسم ایستاده اند و می کوشند بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری را براندازند - سرمایه داری را لحام زنند و کشور را بسوی عدالت اجتماعی سوق دهند اکنون نقش و وزن عمده خود را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از دست داده اند و آن نیروهایی در مجموع حاکمیت تحکیم می یابند که از منافع طبقاتی سرمایه داران دفاع می کنند و هدف اصلی آنها حفظ و گسترش نظام غارتگرانه سرمایه داری است. این آبروندی است که گسترش می یابد و چنانچه پیشروی آن سد نگردد و همچنان گسترش یافته و تثبیت شود انقلاب بر باد خواهد رفت. روندی که گسترش می یابد روند بازگشت انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است و محصول و دنباله موفقیتهایی است که امپریالیسم سرکردگی آمریکا بویژه در ۲ سال اخیر در راه به زانو در آوردن انقلاب ایران بدست آورده است.

توطئه‌های آمریکا برای به‌زانو درآوردن انقلاب بزرگ مردم میهن ما کواکون است. بایمردیها و قهرمانیهای حماسه‌آفرین مردم ما، شکستهای کوچک و بزرگ فراوانی نصب آمریکا ساخت با این همه آمریکای جنایتکار در راه مسخ و شکست انقلاب ایران موفقتهایی بدست آورد که به تضعیف نیروهای مدافع انقلاب و تقویت نیروهای مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی در حاکمیت انعامید. موفقتهای آمریکا که پشتوانه نیرومند جرحش به‌راست کوسی را تشکیل می‌دهد محصول پیشبرد موفقیت‌آمیز روندهای زیر است:

درگیرنگاهداشتن ایران در جنگ و تبدیل آن به یک جنگ فرسایشی طولانی

امپریالیسم آمریکا در درگیر نگاهداشتن ایران در جنگ و تبدیل آن به یک جنگ فرسایشی طولانی کاملاً موفق بوده است سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی ایران با وجود هتداهای ما که اهداف این توطئه آمریکایی و راه حینی کردن آرا نشان می‌داد در دامی که آمریکا گسترد گرفتار آمدند. نقشه تبدیل جنگ به یک جنگ فرسایشی طولانی که پس از آزادسازی حرم‌شهر و شکست اهداف مقدم تجاوز آمریکایی رژیم صدام توسط اسرانه‌های پناگون و سیا طراحی شد، اکنون هم در ایران، هم در عراق و هم در منطقه احد جنگی به‌هدفهای خود نایل آمده است:

در ایران: نیروهای مادی و انسانی عظیمی که می‌بایست در راه‌سازدگی کشور بکار گرفته‌شود در صله‌های جنگ سوخته و می‌سوزند صدها هزارتن از نیروهای انقلاب که هم از جهت خاستگاه طبقاتی و هم از جهت سنتگیری اجتماعی به‌اقتدار و طبعات زحمکن جامعه تعلق‌داشته‌اند زیر پای مغربیت جنگ قربانی شده‌اند. خالی‌نشدن صحنه‌های بیکار برای سازدگی انقلابی کشور از حسن نیروی انسانی عظیمی که در راه تحقق آمچه‌های انقلاب آماده‌عالتترین مذاکریها بود صریحاً حیران‌ناپذیری به‌انقلاب وارد آورده‌است.

در طول جنگ ده‌ها شهر کوچک و بزرگ و صدها روستا با نگی ویران شد یا خسارات جبران‌ناپذیری دید. چندین میلیون آواره جنگی، که با فقر و تاهمی دیت به‌گریبانند اکنون کانون مصائب بیشماری برای انقلاب است که تاثرات اجتماعی مخرب آن در سراسر کشور دامن‌گسترده است. جنگ نه‌تنها از طریق ویران‌ساختن دهها واحد تولیدی در بخش صنعت و کشاورزی به اقتصاد کشور آسیب جدی وارد آورد بلکه صرف میلیاردها دلار به‌عنوان هزینه‌های جنگی به‌سبب اقتصاد کشور را فرسود و می‌فرساید. جنگ به‌همان مقیاسی که برای ملیونهاش از هم‌سپهان ما فقر و خانه‌خرابی به‌بار آورد برای گسترش غارتگری بی‌بندوبار سرمایه‌داری و تحکیم آن راه‌گشوده‌است. جنگ مانع بزرگی در راه پیشروی انقلاب در مسیر انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی-اقتصادی است و موقعیت مساعدی برای نیروهای مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی بوجود آورده‌است تا خود را تحکیم بختند و روندهای پنهان و آشکار نازماری و گسترش مناسبات با امپریالیسم را به پیش برانند. شعله‌ور نگاهداشتن آتش جنگ بر نگاه اجتماعی انقلاب آسپهای حیران‌ناپذیری وارد آورده و ناراضی‌گسترده‌ای را در میان مردم دامن رده‌است.

در عراق: ارتجاع عراق از جنگ در این راه که میان عراق و ارجاع منطقه و ستم جهانی امپریالیستی پیوندهای استوارتری برقرار کند سبب بهره‌گیری را بعمل آورده‌است آنها کم و بیش موفق شده‌اند ناسیونالیسم عرب را در عراق از سنگیری صدمه‌بوسی - صدامیرالیستی - طرف دشمنی با جمهوری اسلامی ایران بکشانند. موفقیت رژیم صدام که با شکستهای فصاحتار در خاک ایران تضعیف شده بود از نو تحکیم یافته‌است.

در منطقه: امپریالیسم آمریکا با بهره‌گیری از جنگ پایگاه‌های نظامی خود را در منطقه گسترش داد. سبب "واکنش سریع" را با مدرنترین سلاحها تجهیز کرد و در نقاط مورد نظر مستقر گردانید. امپریالیسم آمریکا در نتیجه تعلق نگاهداشتن آتش جنگ ایران و عراق نیروهای صدامیرالیستی - صدمه‌بوسی منطقه را از یکدیگر دور نگاهداشت. هر یک را در جبهه‌های جداگانه مشمول کرد مانع از آن شده‌است که این نیروها همه توان خود را علیه امپریالیسم و صدمه‌بوسیم بکار گیرند. طمع نگاهداشتن جنگ ایران و عراق به‌رژیم صدمه‌بوسی اسرائیل در اجرای موفقیت‌آمیز تمهاتی توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه‌اش باری رسانده و آرا نیرومندتر ساخته‌است. امپریالیسم آمریکا توضیح آنرا یافت که در هرم شعله‌های جنگ ایران و عراق کشورهای ارتجاعی منطقه را به

درون بلوک بندهای نظامی نازه بکشاند و بازارهای نازه‌ای برای فروش تسلیحات خود ایجاد کند. موفقیت دیگر آمریکا در اینست که متحدین خود در "ناتو" را به‌سپانه "خطری" که امنیت خلیج فارس و صدور نفت را "تهدید" می‌کند به "عمل مشترک" برای حفظ "منافع مشترک" در منطقه خاورمیانه و اقیانوس هند وادار کرده‌است.

تعلیق اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی

امپریالیسم آمریکا موفق شده‌است پایگاه اجتماعی بازگشت و سلطه خود در ایران را از تعرض انقلاب مصون نگاهدارد. این حقیقت آشکاری است که اگر انقلاب با پیشروی خود کلان-سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی را نابود نکند در راه محدود کردن سرمایه‌داری گام برندارد، امپریالیسم با اطمینان می‌تواند دیربازود نیروهای لازم را گرد آورد. تیرهای زهرآکین را یکی پس از دیگری بر سر انقلاب فرو نیشاند و آنرا بگی از پا درآورد.

بازداشتن انقلاب از پیشروی، بازداشتن انقلاب از تعرض به مناسبات اجتماعی به‌جامانده از نظام آمریکایی شاه، بازداشتن انقلاب از برداشتن گامهای مطمئن و سنجیده در راه قطع وابستگیهای اقتصادی به سرمایه‌داری جهانی و دستیابی به اقتصادی مستقل و شکوفای از عناصر اصلی استراتژی امپریالیسم آمریکا برای بزانو درآوردن انقلاب ایران است. برای آنکه بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران، این دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب و نزدیکترین متحدین امپریالیسم در داخل کشور از تعرض انقلاب مصون نگاهداشته شوند، برای آنکه "سرمایه‌داری وابسته" این شالوده‌مطمئن بازگشت سیاسی امپریالیسم به ایران، باقی بماند و تحکیم بیاید امپریالیسم آمریکا توطئه‌های خطرناک برداشته‌ای را سازمان داد.

در تمام ۴ سال‌وجندهامی که از انقلاب ایران می‌گذرد مبارزه میان دو گرایش در حاکمیت اصلیتین مشخصه انقلاب مایه‌است. این مبارزه در سالهای اول انقلاب با توقفهای کوتاه و با عقب‌نشینیهای موضعی در مجموع در راه تثبیت و تعمیق انقلاب در حال پیشرفت بود. سرنگونی دولت موقت و عزل سنی صدر مفاطم پراهمیتی در روند تعمیق سنگیری صدامیرالیستی و مردمی انقلاب ما بحساب می‌آید که طی آن مواضع بی‌روزی لیبرال محدود و مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت تقویت گردید. پیروزیهایی که انقلاب در نتیجه مواضع بی‌روزی در حاکمیت بدست آورد نتوانست تا دوام نیابد، تزلزل و تردیدی که نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت در بهره‌گیری همه‌جانبه از این پیروزیها از خود نشان دادند به مدافعان غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی که مواضع کلیدی چندی را در نتیجه پیشروی انقلاب از دست داده بودند امکان داد تا عمده نیروهای خود را از تعرض مصون نگاهدارد. این فرصتی برای دشمنان و مخالفان پیشروی انقلاب بود تا این‌بار از سنگر روحانیت محافظه‌کار راستگرا علیه انقلاب دست به تهاجم بزنند. تا پیروزیهایی را که مردم بگف آورده بودند باز پس بگیرند. پیشروی انقلاب را سد کنند و مواضع خود را تقویت و آنرا تحکیم نمایند. تهاجم گسترده نیروهای مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی که با برجم‌داری روحانیت در حاکمیت را از مواضعی که بدست آورده بودند به عقب بکشاند و نقش عمده را در مجموع حاکمیت تسخیر کنند. غلبه جریان محافظه‌کار راستگرا در حاکمیت در راه اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی امپریالیسم برای بزانو درآوردن انقلاب ایران از اهمیت حیاتی برخوردار است چرا که راه را برای بازگشت آن بیش از هر زمانی هموار می‌نماید. از این رو امپریالیسم آمریکا از تهاجم جدید نیروهای مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی با شادمانی استقبال کرد و روحانیت محافظه‌کار راستگرا را در ایفای نقشی که برعهده دارد مورد تشویق و ترغیب قرار داد. روحانیت محافظه‌کار راستگرا با بهره‌گیری از سیاست معاشات نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت زیر شعار دفاع از "مردم مقدس اسلام" تهاجم خود را آغاز کرد. ابتدا با حربه "شانناز هر کلامی را که به‌زیان بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران و بود محرومان توسط جناح مردمی حاکمیت برداشته می‌شد با به‌راهمنداختن کارزار تبلیقاتی برداشته‌ای زیر عنوان "یک اقدام سوسیالیستی پسند" "الحادی" و "کونیستی" سد نمود. بوقهای امپریالیستی نیز هماهنگ با راستگرایان برجسته‌ترین سخنگویان خط انقلاب در حاکمیت را "توده‌ای" و "کسانی که در راه وابسته کردن ایران به شوروی تلاش می‌کنند" در مظان اتهام قرار دادند. هدف مرموز ساختن نیروهای در حاکمیت بود که در راه مبارز غارتگری سرمایه‌داری محور بزرگ‌مالکی مبارزه می‌کردند. می‌بایست آنچنان جوی بوجود می‌آمد که مسلمانان انقلابی حرمت نیابند از منافع مستضعفین دفاع کنند. چنین جوی بوجود

## اجرای موفقیت آمیز نقشه بزرگسنگی

بزرگترین پیروزی امپریالیسم و راستگرایان که نقطه عطفی در روند تخریب مستگیری ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران بحساب می آید اجرای موفقیت آمیز نقشه بزرگسنگی است. طی چهار سال و چند ماهی که از پیروزی انقلاب می گذرد امپریالیسم آمریکا به کمک دوستان و حامیانش همه توان و نیروی جهانی خود را بکار گرفت تا نگذارد میان جمهوری اسلامی ایران و دوستان و پشتیبانان آن در داخل و خارج کشور اتحاد نریختنی شکل گیرد چرا که تجربه انقلابهای رهایی بخش خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین این واقعیت انکارناپذیر را بکرات نهائیات رسانده است که بدون شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب در عرصه بین المللی و ملی و اتحاد نریختن دوستان انقلاب علیه دشمنان انقلاب قطع بندهای وابستگی به امپریالیسم و تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب محال است. از این رو نقشه بزرگسنگی مشاور امپیتی گارتو دایر بر تخریب روابط جمهوری اسلامی ایران با رژیمهای ضد امپریالیست و کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی در عرصه مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران و خرابکاری در روابط مسلمانان انقلابی با دیگر اندیشان مدافع انقلاب بویژه پیروان سوسیالیسم علمی در عرصه داخلی هسته اصلی تمام توطئه های امپریالیسم و ارتجاع جهانی بسرکردگی آمریکا برای بزناوردن انقلاب بوده است. این نقشه با موفقیت تمام به اجرا درآمد.

فصلیات خرابکارانه دوستان و جاسوسان امپریالیسم در راه منسی کردن شمار مرگ بر آمریکا و برانگیختن دشمنی موهوم علیه شوروی از حدود یکسال پیش به موفقیتهای بزرگی دست یافته بود. در تمام اجتماعات سیاسی - مذهبی "شمار مرگ بر شوروی" بمثابة یک شعار ثابت بر سر زبانها انداخته شد. دامن زدن به دشمنی موهوم علیه شوروی آنچنان بالا گرفت که از یکسال پیش دیوار شهرها و مجامع عمومی با پوسته های رنگارنگ "مرگ بر شوروی" تزیین یافت و در عمل سرود پیروزی مردم شمار مرگ بر آمریکا تحت الشعاع خود قرار داد. دزدان سرکار خانات و در غالب اجتماعات سیاسی - مذهبی، دوستان و جاسوسان آمریکا، در هر فرصتی که دست می داد مردم را مجبور می کردند که پرچم شوروی را الگومال کنند و نسبت به مردم و دولت شوروی ابراز انزجار نمایند. جریان راستگرایی مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی در برانگیختن این دشمن موهوم مطابق طبعاتی خود را تعقیب می کرد و با تمام نیرو به گرایش "شوروی ستیزی" در درون نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت دامن می زد.

روی دیگر این سکه "توده ای ستیزی" بود که با برآوردن سخن سیل تهمت و افترا، جعل حقایق و تحریف بهیچمانه مضمی انقلابی حزب و سوابق حزب در مبارزه برای کسب استقلال میهن و دفاع از منافع زحمتکشان بی وقفه ادامه می یافت. در هیاهوی این کارزار تبلیغاتی برداشته، خرابکاری در فعالیت انقلابی حزب که پیگیرانه توطئه های آمریکا و راستگرایان برای بسج و بزناوردن انقلاب را افشای کرده روز بروز ابعاد گسترده تری می یافت. توقیف غیرقانونی روزنامه مردم، تخریب اوباشانه، کلوپهای جزبی، جلوگیری از انتشار نشریات حزبی، حمله به اجتماعاتی که حزب در دفاع از انقلاب ترتیب می داد، پیگرد و بازداشت غیرقانونی اعضا و هواداران و مجموعه حزب که می بايست سرکوب آنرا و مجامع جلوه می داد، روندی است که همواره امپریالیسم آمریکا، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و جریان مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی در حاکمیت لحظه ای از بهیچمانه غافل نبوده است. در این زمینه نیز دامن زدن به گرایش توده ای ستیزی نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت و ایجاد محیط سوءظن در برانگیختن دشمنی آنها با حزب تلاش بدون وقفه این نیروها بوده است. گسترش نفوذ جریان محافظه کار راستگرا در حاکمیت شرایط مناسب را برای برداشتن گام نهای در اجرای تمام و کمال نقشه بزرگسنگی فراهم آورد.

برپایه مدارکی که سازمان سیا و انتلیجنت سرویس علیه حزب توده ایران جعل کرده بودند، جعلیاتی که حزب را "جاسوسی شوروی" و "دست در کار براندازی جمهوری اسلامی" نشان می داد، حزب توده ایران تحت پیگرد قرار گرفت. رهبران و اعضای آن دستگیر شدند و در زندان بدترین شکنجه های روحی و جسمی گروهی از آنان را وادار کردند تا جعلیات سیاسی ساخته را در مقابل مردم تکرار کنند. کارزار تبلیغاتی برداشته و شرم آوری که با نمایشات تلویزیونی شکنجه و شلاق آذین یافته همراه افتاد و در

آمد. این برای مبارز اعتراضی که احتمال داشت در نتیجه تعلق اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی گسترش یابد ضرورت داشت. با به پای ایجاد چنین جوی و همزمان با موفقیتهایی که در این زمینه نصب خط مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی می شد تلاش همه جانبه ای برای تسخیر مراکز تصمیم گیری در دستور قرار گرفت. موفقیت راستگرایان در مرعوب کردن کم استوارترین نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت، جلب و تحریف گروهی از آنان، و تشدید ناپیگیری گروه دیگر از مدافعان انقلاب که محصول بیشرت انقلاب بود، شرایط مساعدی برای تغییر تناسب نیرو بود. خط راستگرایی مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی و سازش با امپریالیسم فراهم آورد. مجلس شورای اسلامی آماج مقدم بورش راستگرایان در این مرحله از تهاجمشان بود.

اکثریت شورای نگهبان و پیروان آنها در مجلس تلاش وسیعی بعمل آوردند تا اکثریت نمایندگان مجلس را به قبول اندیشه های وادار سازند که آنها را مکلف می کرد با توجه از پیش به آرا و نظرات شورای نگهبان طرحها و لوایح را به تصویب برسانند. بروز آشکار این دوگانگی که خود حاکی از رشد مبارزه میان دو گرایش طبقاتی در محافل حاکمه جمهوری اسلامی ایران بود مبارزه طبقاتی زحمتکشان با بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران در بطن جامعه را عمق و دانسته می بخشید. حل این دوگانگی بود اکثریت شورای نگهبان برای جلوگیری از رشد آگاهی مردم و مهار مبارزه طبقاتی در حال گسترش ضرورت داشت. در پاییز سال گذشته زمانی که اکثریت شورای نگهبان طرح احیا و واگذاری اراضی مزروعی مصوب مجلس را - همچون دیگر طرحها و لوایح بنیادین - خلاف شرع و معایر با قانون اساسی خواند و آنرا مردود اعلام کرد پیامدهایی به همراه داشت که از جمله آن حل عملی این دوگانگی بود اکثریت شورای نگهبان بود. این موفقیت بزرگی برای پیشروی امپریالیسم و راستگرایان بحساب می آید.

گام سبایی در این پیشروی متوجه منسی کردن قانون اساسی است. از یکسال پیش با وضوح بیشتری دیده می شد که مبارزه میان دو گرایش بر محور قانون اساسی تمرکز می یابد. مستگیری ضد امپریالیستی و مردمی قانون اساسی که خواهان مهار غارتگری سرمایه داری، معو بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری است و با اندیشه تا مین همه جانبه استقلال کشور و حاکمیت محرومان و مستضعفان ندوین و به تصویب رسد نمی تواند آماج کینه ترانه ترین دشمنیها از سوی دشمنان و مخالفان پیشروی انقلاب قرار نگیرد. اس دشمنی اساساً متوجه فصلهای سوم و چهارم قانون اساسی است که در آن مهم ترین خواستها و شعارهای مردم در زمینه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی صراحت یافته و بطور فاسونی تثبیت شده است. صف بندی طبقاتی بر محور قانون اساسی در حال شکل گیری نهایی است. کسانی که در راه پیشرفت انقلاب مبارزه می کنند از قانون اساسی دفاع می کنند و خواستار اجرای اصول مردمی و ترفیخواهانه آنند. دشمنان پیشروی انقلاب، در جنبه مخالفت با اصول مردمی و ترفیخواهانه قانون اساسی صغوف خود را فشرده تر می سازند و در راه منح آن می کوشند. راستگرایان در راه منح روح مردمی و ضد امپریالیستی قانون اساسی هم اکنون به موفقیتهایی دست یافته اند. با انهمه اس مرحله که مرحله حادثترین مبارزه میان دو گرایش در حاکمیت است تازه در حال گسترش است. متاسفانه نتایجی حاکی از عقب نشینی اس سگر نیز دیده می شود. آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بیاز دیدار با آیت الله گلپایگانی در قم، طی مصاحبه ای با روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد: "تلاش همه ما اینست که رساله برای قوانین مرجع کنیم و اسلام رساله ای را اجرا کنیم." شاید با درک خطر مهلک عقب نشینی از این مهمترین سنگر انقلاب است که در حله علمی بکنشده خرد ادبامه مجلس، یکی از نمایندگان طی سخنان پیش از دستور خود هشدار می دهد: "عده ای می گویند کار مجلس تبدیل رساله به قانون و فرستادن آن به شورای نگهبان است ولی ما می گوئیم امام است که پس از پیروزی انقلاب به قانون و تاکید داشته اند هر چه زودتر قانون اساسی تدوین شود آیا نمی توانستند بگویند طبق رساله عمل کنید و به قانون اساسی نیازی نیست؟ ما باید با هوشیاری کامل از "قانون اساسی" که به آن سوگند خوردیم حمایت و حرمت کنیم زیرا اگر قانون اساسی زیر سوال برود کل نظام جمهوری اسلامی به زیر سوال خواهد رفت.

این سخن آقای رفسنجانی نیز در همان مصاحبه پرمضی است وقتی که در وصف ملاقات خود با آیت الله گلپایگانی می گوید: "برای من جالب بود که برخلاف گذشته که هر وقت خدمت آقایان می رسیدم گله ها و نگرانیهایی از بعضی جریانات که بخاطر مقتضای انقلاب می گذشت داشتند، این بار حرفها خیلی کم بود یا نبود و مطلب بیشتر روی مسائل کلی و امیدها دور می زد و این نشان می دهد که کشور و انقلاب بطرف انضباط و اصلاح پیش می رود.



مهاجمی آن بگونه‌ای که آشکارا خلاف قانون اساسی است حزب توده ایران را "محل" اعلام می‌کنند و در غیو شادمانی و پاکبوی دشمنان شوک‌خورده، انقلاب ۱۶-س از دیپلماتهای شوروی از کشور اخراج می‌شوند تا خبر بازاری عمده در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی آنگونه که برزیسکی نقشه‌اش را کشیده است تمام و کمال به احرا درآید. اجرای موفقیت آمیز نقشه برزیسکی که به یادگسترش نفوذ جریان راستگرای مداخله‌گر غارگری سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و سازش با امپریالیسم در مراکز بالای جمهوری اسلامی است هدفهای زیر را تعقیب کرده و می‌کند:

#### ۱- تسریع روند نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به غرب

تخریب روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی و دیگر اعضای جامعه کشورهای سوسیالیستی برای ابقای "سرمایه‌داری وابسته" و تحکیم بندهای وابستگی اقتصادی به امپریالیسم شرط ضروری است. ایضا و تحکیم وابستگی اقتصادی به امپریالیسم، محور استقلال سیاسی را که با انقلاب ۲۲ سپهر بدست آمد در پی دارد. با هر ضرره‌ای که به مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی وارد می‌آید امپریالیسم امکان تازه‌تری بدست می‌آورد که انقلاب را بیشتر به غرب وابستگی بکشد تا آنرا از خود تراز یا درآورد گسترش نفوذ جریان محافظه‌کار راستگرای حاکمیت شرایط را برای اجرای نقشه برزیسکی مساعد ساخته بود، اجرای نقشه برزیسکی قبل از هم‌روند نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به غرب را تسریع می‌کرد و به راستگرایان در بازسازی و گسترش مناسبات با امپریالیسم باری می‌رساند و موفقیت‌هایی را که در این زمینه بدست آورده بودند نسبت می‌کرد. راستگرایان بویژه طی یکسال گذشته زیر شعار "نه شرقی، نه غربی" دست در کار بازسازی مناسبات با غرب و امپریالیست‌ها از جمله عیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا بودند. تلاش آنها در "ناانتقاد پارهای از مداخلان انقلاب در حاکمیت نیز روبرو می‌شد. این منتقدان هم سبهاق نمی‌کردند که مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای امپریالیستی و اقطار آنها در مداخلی بازسازی و گسترش می‌یابد که مداخله‌گرانه، امپریالیست‌ها را تا من می‌کند و سلطه خون‌آشام آنها بر سپهر و مردم انقلاب را تدارک می‌بندد. قلبه خطر راست در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران بویژه طی یکسال اخیر هر روز مشهودتر می‌شد. نه تنها قرارداد های همکاری اقتصادی - سیاسی و حتی نظامی با زینت‌های فاسدست و آمریکایی حاکم بر ترکیه و پاکستان به‌امضا می‌رسد بلکه هیئت‌های اقتصادی و سیاسی زانیسی، آلمان غربی، ایتالیایی و انگلیسی بین تهران و پاریس تحت این کشورها دائما در رفت‌وآمد بوده و هستند. گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی با کشورهای دشمنان شوک‌خورده مردم و انقلاب ما هستند و هیچ هدفی جز زانو درآوردن انقلاب ما ندارند در "عنوان سرورزی سیاسی و اقتصادی اعلام شده می‌شود. کار بازسازی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با امپریالیست‌ها به‌انجا کشیده است که غیر تماس دیپلماتهای ایرانی در بروکسل، رم و پاریس و واشنگتن با امپریالیست‌ها از جمله امپریالیسم آمریکا در بوقهای امپریالیستی دمده می‌شود تا با سرچ کشیدن پیروزیهایی که شیطان بزرگ آمریکا در راه مزانو درآوردن انقلاب ما بدست آورده خلق‌هایی را که در راه استقلال سپهر خود علیه امپریالیسم سرد می‌کنند مایوس و سرخورده سازد.

اجرای نقشه برزیسکی قبل از همه روند نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به غرب را تسریع کرده و می‌کند و به راستگرایان در بازسازی و گسترش مناسبات با امپریالیسم باری می‌رساند و موفقیت‌هایی را که در این زمینه بدست آورده‌اند تثبیت می‌نماید. در همین ارتباط است که سران کشورهای امپریالیستی جهان که تحت سرکردگی ریگان در ویلیامزبورگ گردآمده بودند برای رهبران جمهوری اسلامی ایران بدلیل آنکه اجرای موفقیت‌آمیز نقشه برزیسکی را امکان‌پذیر ساخته‌اند کف می‌زنند و با شادمانی اعلام می‌کنند: "خانه‌های نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به غرب را مورد تشویق قرار خواهند داد."

#### ۲- خرابکاری در روند تشکیل جبهه متحد خلق

تنها با اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و مردمی - با هر مسلک و مرام و نظرگاه‌های فلسفی - است که می‌توان توطئه‌های امپریالیسم و دشمنان و مخالفان سرتوف انقلاب را بی‌اثر کرد و در راه تثبیت انقلاب و شکوفایی ساختن دستاوردهای آن با گام‌های مطمئن به پیش رفت. تجربه همه

انقلاب‌های رهایی‌بخش در دوران ما بردستی‌خنده‌ناپذیر این حکم گواهی می‌دهد "حزب توده" ایران منادی بیگانه و مبارز خستگی‌ناپذیر جبهه اتحادی بوده است و در راه تأمین آن در جبهه متحد خلق لحظه‌ای از مبارزه علیه امپریالیسم و جریان محافظه‌کار راستگرایان نایستاد. منی انقلابی حزب توده ایران در دفاع بیگانه از انقلاب و دستاوردهای آن، مبارزه خستگی‌ناپذیر در راه تحقق آماجهای انقلاب و اجرای قانون اساسی، مبارزه بدون وقفه در راه تأمین عدالت اجتماعی، حقوق زحمتکشان و منافع طبقه کارگران، انضای بی‌امان توطئه‌های امپریالیسم و راستگرایان که برای منسوخ و نکست انقلاب ایران سازمان می‌یافت حزب را در موقعیتی قرار داد که بتواند نفوذ و اعتبار خود را در میان زحمتکشان، مسلمانان انقلابی و همه سپهر دوستان ایران گسترش دهد. فعالیت حزب به جنبش‌گرایی نیرو می‌بخشید و به طبقه کارگران ایران کمک می‌کرد که به سازمان و هویت مستقل خود دست‌سازد و در راه اتحاد همه زحمتکشان در دفاع از انقلاب و مبارزه در راه شکوفایی ساختن دستاوردهای آن گام‌های مطمئنی به پیش بردارد و شالوده‌آستواری برای تشکیل جبهه متحد خلق تدارک ببیند. گسترش نفوذ و اعتبار حزب توده ایران در میان زحمتکشان و مسلمانان انقلابی روند تکامل انقلاب و پیشرفت اجتماعی را سرعت می‌بخشد و در راه برای تشکیل جبهه متحد خلق هموارتر می‌کرد. این همه نمی‌توانست ترازانه ترس‌دنی امپریالیسم و راستگرایان را علیه حزب بر نیاندازد. در راه تثبیت پیروزی امپریالیسم و راستگرایان، برای تثبیت حاکمیت گرایش‌هاست، حزب توده ایران استوارترین مانع بود. این مانع می‌بایست تا آنجا که امکان داشت درهم شکسته می‌شد. در راه برانو درآوردن انقلاب حزب توده ایران نخستین خاکریز بود. تجربه دهها سال تلاش جنایتکارانه و خونبار امپریالیسم در راه انقباد خلقها و درهم شکستن انقلاب‌های رهایی‌بخش بر این حقیقت گواهی می‌داد. برای مزانو درآوردن انقلاب ابتدا می‌باید از گسترش اعتبار و نفوذ جنبش اصل کارگری و کمونیستی جلوگیری و نا آنجا که ممکنست برای اعتبار و نفوذ خود شوق آورد. می‌بایست تنها به یک سرورزی خود را به دست آورد ایران سد گردد بلکه بر نفوذ و اعتبار بدست آمده سبز ضربات خردکننده‌ای وارد آید، می‌باید حزب بنابه سیرویی که در برابر آرمان استقلال طلبانه خلق قرار دارد تسلیم و حقه می‌شد تا همچون ۲۸ مرداد سال ۲۲ حزب را در انزوای شکننده‌های فرو برد و آنچنان شرایطی آفرید که بازرسوال قرار گرفتن همه هستی‌حزب، دفاع متشکل زحمتکشان از انقلاب و آماجهای آن ناممکن گردد و مبارزه متحد همه خلق در مقابل با پیروزی امپریالیسم و راستگرایان ناممکن گردد و یا به آسانی درهم شکسته شود. انقلاب در یکی از دشوارترین آزمون‌های خود همه گرایشها و نیروهای را که بدرجات گوناگون در جبهه دفاع از انقلاب و مردمنده‌های مردی و استواری در راه خلق فرامی‌خواند. تلخ‌وزن‌سناک آنان که از این آزمون بزرگ سرافکند موزبون رخ نمودند و با ارکستری که آواز شوم شکست مردم و انقلاب سرب می‌دهد، هم آغوش با خونخوارترین دشمن بشریت آوازیکانهای سردادند.

سرکوب حزب توده ایران، غیرقانونی‌داسن آن و صدور حکم "محارب" برای اعضا و هواداران این حزب آنها به اتهام "حاشوسی" عملاً "بکنای آن بود که دفاع از انقلاب غیرقانونی، جاسوسی برای شوروی و در حکم محاربه با جمهوری اسلامی ایران حساب می‌آید. هم‌اینک همه کسانی که صادقانه به انقلاب و قانون اساسی آن پای بندید و حاضرند که در راه پاسداری از انقلاب و تحقق آماجهای آن دست سیرکوبه فداکاری بزنند در معرض نقیض عماید. به برگرداشی، بی‌قانونی، خودسریهای اوباشانه، سلب اسبیت قضایی و عملی قرار دارند. در حقیقت با تعلیق اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی که حزب توده ایران بیگانه‌ترین منتقد آن بود، "حقوق ملت" و آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی نیز یکی بحالت تعلیق درآمده است.

سرکوب حزب توده ایران عناصر بی‌شخصی، انفعال، نشتت فکری، پراکندگی، ناهماهنگی و تسلیم را در میان جناح‌مدافع انقلاب در حاکمیت رشد داد و در راه سرکوب مسلمانان انقلابی که به سیر تحولات بدیده انتقاد می‌نگرند، نسبت به تعلیق اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی مترضند و غلبه جریان راستگرای مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را هموار کردن راه برای بازگشت آمریکا به سپهر می‌دانند مقدمات لازم را فراهم آورد.

آیت‌الله‌کی در استقبال از سخنان امام که در ۷ خرداد ماه در جهت مبار برخی پیامدهای ناشی از تحولات منفی اخیر ایراد کردید پیرو صدانه اعلام کرد:

"ما خاکریزهای انقلاب را یکی پس از دیگری داریم فتح می‌کنیم... اخیراً امامت خط دیگری را بعد از خط حزب توده کشف کرده‌اند و آن خطی است که بعضیها از اصفهان شروع کرده بودند و در سپاه و جاهای دیگر و در جمع برادران پاسدار گفته بودند که مدرسین قم مثل ما آنها می‌مانند..."

جامعه مدرسی قم کسانی هستند که اساس انقلاب در قم بودماند، حتی مرجعیت امامت را همین جامعه مدرسین در زمان طاغوت تثبیت کردند و رهبری آینده را هم همین جامعه مدرسین تثبیت می کنند... ولی خطری وجود دارد که می خواهد جامعه مدرسین را حذف کند، بعد به شورای نگهبان توهین می کنند و می گویند شورای نگهبان طرفدار فتوادها و سرمایه دارها است...

### شکار سخنگویان ثابت قدم خط انقلاب

امیرالایم آمریکا با طراحی سیاست تروریسم با بنیانی تمام به شکار سخنگویان ثابت قدم خط انقلاب پرداخت. با از میان برداشتن شخصیت های انقلابی نظیر آیت الله مبنی، مطهری، باهنر، محمد منتظری که انقلاب را یک انقلاب "ضدامپریالیستی، ضد فئودالی و ضد سرمایه داری" می دانستند راه برای دستیابی روحانیت محافظه کار راستگرا و سخنگویان خط دفاع از غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی و سازش با امیرالایم به مراکز قدرت هموار گردید. سیاست تروریسم امیرالایم بدون استثنا متوجه تروریست های و فیزیکی شخصیت های بوده است که به اهداف انقلابی پایبند بودند و از سنگبری ضدامپریالیستی و مردمی آن درک واقع نگران و روشن بینانه ای داشتند. ایستادگی در برابر امواج تهمت و افترا، شانتاژ و ارباب راستگرایان شخصیت های استوار و مقاوم می طلبید. روحانیونی از شمار بهشتی و منتظری از چنین شخصیتی برخوردار بودند و فقدان آنها به پیروی راستگرایان را تسهیل کرد.

موفقیت امیرالایم در پیشبرد سیاست تروریسم از آنها نیز هست که بخشی از نیروهای را که بالقوه دشمنان نیروهای جبهه متحد خلق محسوب می شوند به همراه کشید و آنان را در خدمت پیروی نیروهای مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی و سازش با امیرالایم قرارداد و بدست مجاهدین زخم های میلیتی بر پیکر انقلاب فرو نشاند. در غلطیدن رهبری مجاهدین به منجذاب سیاست تروریسم، امیرالایم نه تنها جبهه انقلاب را از نیروی قابل توجهی که می توانست در راه خلق و انقلاب بر ضد محروم گردیده به دروند نزدیکی نیروهای ضدامپریالیست و مردمی آسیب جدی وارد آورد، به نثار ملی و دشمنی های خانگی دام نرزد و در امر تشکیل جبهه متحد خلق تأثیر مخرب عظیمی بر جای گذاشت. بی دلیل نیست که نیروهای مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی در حاکمیت با تشویق سیاست اعدای بی رویه و خستونتهای غیر ضروری همواره در راه تداوم گمراهی مجاهدین و دیگر گروه های چپ و رولاش کرده، به کینه ورزی انتقام جویانه علیه این نیروها دامن زده اند و امکان رشد گرایش های را که متوجه راهی از منجذاب گمراهی است تخریب کرده و این گرایشها را سبب گمراهی می نمایند. تروریست های شخصیت های مدافع انقلاب بروی دیگر که سیاست ضدامپریالیست امیرالایم آمریکا که با اطمینان همچنان به کار گرفته می شود. هشدارهای مکرر آیت الله منتظری در این باره قابل تأکید است. آیت الله منتظری از جمله در دیدار با انجمن جمع و جماعات استان خراسان - ۲۰ خرداد ماه در این باره میفرماید: "هشدار داد و گفت: **ضدانقلاب** به گسابقاً به تحریک اربابان خارجی کوشید چهره های ارزنده ای را با ترور از ما بگیرد امروز می گوید با ترور شخصیت چهره های ارزنده و انقلابی و ساختن دروغ های بزرگ و انداختن آن بر سر زبان های مردم یک جنگ روانی به وجود آورد و بسیاری از چهره های روحانی و متعهد را خراب سازد و من مطمئنم که در پشت این شایعه پراکنجه ها و دروغ سازیها کلاً خیرا" در بسیاری از شهرها رایج شده است، بیگانه ها و ضدانقلاب می خواهند با تهمت زدن و بدنام کردن و ترور شخصیت افراد ارزنده بخصوص آن عده از افراد عالیقدر که سالها در انقلاب به نقش داشتند منزوی سازند و از صحنه کنار ببرند.

### ترویج و تکرار مداخلان انقلاب در حاکمیت پیروی امیرالایم و راستگرایان را تضمین کرد

انقلاب تنها از صبر و بهرنامه حزب توده ایران و سازمان مدعیان خلق ایران (اکثریت) ترسیم کرده می تواند به پیروی خود ادامه دهد. در برتو این حقیقت که اکنون آنتر از هر زمان برای هر وجدان انقلابی صادق قابل درک است می توان نقش مداخلان انقلاب در حاکمیت در پیروی امیرالایم و راستگرایان را با دقت علمی ارزیابی کرد. این ارزیابی نشان می دهد که ترویج و تکرار مداخلان انقلاب در حاکمیت در زمینه پیشبرد انقلاب در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، پیروی

امیرالایم و راستگرایان را تضمین کرده است. مخربترین جلوه های این تزلزل و تردید به تدریج بر است. ساختن مداخلان انقلاب در حاکمیت از دوستان و دشمنان انقلاب به آفات مهلکی آفخته است. گرایش سرزندی در این سخن از حاکمیت اصرار دارد مرز دوستان و دشمنان انقلاب را بطور مصنوعی با خط مرزهای ناشی از تفاوت در اعتقادات مذهبی و نظرگاه های فلسفی تعیین کند. همین گرایش حامل آن "کموسم سیری" و "ترویج سیزی" است که برای انقلاب دوستان و دشمنان در روغن می تراشد. به دشمن مجال خرابکاری می دهد و با راندن دوستان، انقلاب را از امکانات عظیمی محروم می سازد. ناتوانی در درک ویژگی های قومی و ملی و انکار حقوق اقلیت های مذهبی و قومی و ملی کشور، اصرار در تحلیل الگوهای تنگ، بدوی و قرون وسطایی زندگی به مردم و تلاش برای ابطاق حیات جامعه در تمام زمینه ها با آن اصرار در پیروی بی چون و چواری مردم از اندیشه های جزم گرایانه و انقیاد آنان به اینکه جز از چنین روزن تنگ و باریکی به جهان ننگرند، نشوند و نبیندند از دیگر محتصات این گرایش است که موجب سرخوردگی و جدایی گروه های وسیعی از اقشار جامعه را که جای آنان در جبهه انقلاب است فراهم آورده و می آورد.

این گرایش انحصار طلبانه، اتحاد ستیز و تنگ نظر بنشیند خدمت را به پیروی امیرالایم و راستگرایان کرده و می کند و سرچشمه بسیاری از ناتوانی ها و نارسایی ها در جبهه نیروهای ضدامپریالیست و مردمی حاکمیت است.

نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت علیرغم هیاهوی بسیار در باره ضرورت حضور مردم در صحنه، همواره از حضور متشکل و مستقل توده های ده ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا در عرصه های مختلف بیکار برای پیشرفت انقلاب هراسناک و گریزان بوده اند این گرایش به دشمنان مردم و مخالفان پیروی انقلاب امکان و مجال داد که علیه تشکلهای توده ای خرابکاری کند و با خود سری و پاشان از تشکل مستقل و گسترده زحمتکش در مبارزه برای مبارزات تگری سرمایه داری و نابودی بزرگ مالکی جلوگیری بعمل آورند.

نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت فاقد اندیشه روشن و منجم و طرح و برنامه مدون برای بهاد کردن اما جبهه های اساسی انقلاب اند. سرکوب "راه سوم" که فارغ از تجربه همه خلفا و انقلاب های جهان همه چیز را می خواهد خود "ابداع" کند تا "طرحی نو" در اندازد ناتوانی آنان را حتی در حل مسائل ابتدایی نیز دامن زده است. اصرار در دریافتن راه حل همه مسائل پیچیده و تدریج ناشی از بهرست انقلاب در دوران ما از روزن "فقه اسلامی" به این ناتوانی باز هم دامن می زند و تنها شرفاش تشدید ناراضی مردم، فراهم آوردن امکان بیشتر برای خرابکاری دشمنان انقلاب در حیات اجتماعی و اقتصادی کشور و اغتنام فرصت برای امیرالایم است.

این آفات مهلک و نارسایی های بزرگ انقلاب مردم ما را از امکانات تاریخی عظیمی که در درون کشور و در سطح جهانی می توانست و همچنان می تواند در راه شکوفان ساختن خود از آن برخوردار شود به میزان فوق العاده سنگین و شکننده ای محروم ساخت.

### بازگشت انقلاب روندی بتزیق و پرفراز و نشیب است

اکنون خطر مستحونابودی انقلاب یک خطر واقعی و جاری است، پیروی امیرالایم و راستگرایان این خطر را شکل بخشیده است. جناح مدافع انقلاب در حاکمیت در مقابل ما این پیروی، از روی آوردن به صاحبان اصلی انقلاب و نیرو گرفتن از توده سلسونی محرومان روی برتافت، پیروی امیرالایم و راستگرایان ادامه یافت و آنان که مسئولیت رهبری انقلاب را بر عهده دارند و در برابر مردم تعهد سپرده اند که از انقلاب و دستاوردهای آن با عداری کنند، هراسان از تکیه کردن بر توده محرومان و گریزان از شرکت دادن واقعی مردم در حل و فصل مسائلی که متافع آنان و سرنوشت انقلاب مربوط است و پایبند به سیاست معاشات با راستگرایان بر جای باقی ماندند. در نتیجه توازن نیروی شکننده و فلج کننده ای که میان دو گرایش در حاکمیت پدید آمده بود در ماه های اخیر بسود جریان محافظه کار راستگرا دستخوش تغییر خطرناکی گردید. اکنون واقعات سیاست خارجی و داخلی جمهوری اسلامی ایران گواه بر آن است که خط مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی و سازش با امیرالایم، خط غالب در مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. این واقعت علیرغم تلاش برداشته گراشی در درون و بیرون حاکمیت که می کوشد اذهان توده مردم را نسبت به آن بی خبر و مخدوش نگاه دارد هر روز



بهتر از روز قبل جلوه شکارتری می باید و حیات جامعه را با رنگ و بوی مشوم خود می آکند. روشن است که گرایش پنهان، ننگه داشتن این واقعیت و تصویر و از گونه‌های آن در اذهان زحمتکشان تنها به پیروی راستگرایان را تسهیل می کند. با اینهمه راست آنست که روند بازگشت انقلاب، روندی بعرض، به پیچیده و پرفراز و نشیب است که احتمال دارد با چرخشهای تند یا کند و طوفانهای سیاسی برداشته با گام دامنه‌ای همراه باشد. چرخشها و طوفانهای سیاسی که احتمال تجدید قوای نیروهای انقلاب در حاکمیت، تصحیح خطاها و انحرافاتشان، غلبه مجدد خط مدافع انقلاب طی آن منتفی نیست. سختین نکته احتراز از ساده کردن قضایا است. اینکه روندی که در حال گسترش است چه مسیری را طی خواهد کرد یا تا کجا خواهد انجامید، تحت تاثیر چه عواملی می توان پیشرویی آنرا مهار کرد و انقلاب را از خطر کثونی رها نمود با عوامل زیر که در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند مشروط می شود.

۱- کیفیت مستگیری امام خمینی

۲- کیفیت و سرعت دگرگونی در ترکیب طبقاتی نیروهای که در حاکمیت شرکت دارند

۳- جنبش توده‌های در دفاع از انقلاب و دستاوردها و آمادگی آن با چه کیفیتی در صحنه حضور می‌یابند. مستگیری ضدامیربالیستی، ضد استبدادی و مردمی امام خمینی عامل قطعی در پیروزی انقلاب و بهیشتنهای آن بوده است. فرازونشیبهایی که تاکنون انقلاب پیموده بطور حدسی باید بوی مواضع امام مشروط بوده است اکنون عناصر جدیدی در مستگیریهای امام ساهده می شود که با مواضع گذشته ایشان تفاوتی جدی دارد.

از زمانی که انقلاب بطور اجتناب ناپذیر جمهوری اسلامی ایران را در سر دوراهی اسباب قرارداد که به کدام سو خواهد رفت، بسوی مستضعفان یا بطرف مستکبران، اس رهبران جمهوری اسلامی ایران بوده اند که به استخاب سرنوشت فراخوانده می شدند. باید انتخاب کرد! از آن گزینی نیست! این هر چند بفرنج و به پیچیده است لیکن قاعده‌ای است که استنباط نمی پذیرد. رهبری امام خمینی بارها انقلاب را از غرقابهایی که بدان گرفتار آمده بود نجات داد. امام بارها از لفظهای خود در دامنهایی که "شیاطین" گسترده بودند استقاوت کرد و انقلاب را از علتدن به بیراهه شکست رها نمود. آیا این بار نیز چنین فرجام نیکی گزار خواهد شد؟ هر چند هیچ دلیل واضحی برای پاسخ مثبت وجود ندارد لیکن نمی توان با جواب مطلق منفی شاه از دیدن بفرنجیهای انقلاب غالی کرد. امام خمینی در آستانه ماه رمضان - ۲۱ خرداد - طی سخنانی تاکید کردند: "اگر مردم از ما خطا ببینند و اگر چنانچه انصراف پیدا کنند از روحانیت برای خطاهای بعضی از ما، مسئولیت شخصی نیست، مسئولیت اسلام است، مسئولیت عمومی است. اگر ما خدا نخواسته یا اعمالمان طوری کنیم که این ملت ارما جدا شود و این ملت ما را زیر سوال قرار بدهد گمشا امروزه ما در دستان باز استیک خود دیگر داری عمل می کنید و جدا بشود از شما. این مسئولیت اسلام بر عهده ما است اعلام به آنرا کشیده می شود و آنهایی که با اسلام مخالفند روی کار می آیند خدا نخواسته و این مسئولیت به عهده ما است.

آنچه که قابل تاکید است این است که توده‌های دهها میلیون زحمتکشان بهرها و روستاها امام خمینی را در جبهه خود می طلند. هر میزان دوری امام از توده‌های میلیونی محرومان و مستضعفان و کوچ نشینان که خواستار مهار غارتگری سرمایه داری و نابودی بزرگ مالکی هستند، ضربه شکننده‌ای است بر بیکر انقلاب.

مسئولیت سرنوشت این انقلاب بر عهده رهبری انقلاب است و هم این رهبری است که نباید بگذارد امید به انجام درست این مسئولیت بر باد رود.

لا به بندی طبقاتی در میان نیروهایی که در حاکمیت شرکت دارند مرحله نهایی تکون خود را از سر می گذرانند. فقدان یک حزب یا سازمان سیاسی شکل یافته در رأس انقلاب و ورژیکهای اسلامی انقلاب این لایه بندی را با تاخیر روبرو ساخته است.

اکنون در درون حاکمیت نیروهای مدافع غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی و سازش با امیربالیسم وزن و نقش عمده را یافته اند. غلبه این سروها تازه اگر به تمام و کمال حکم باشد - اگر چه بعضی حاکمیت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امیربالیسم مسئولی راه را برای تحکیم چنین حاکمیتی می کشاید.

البته برای درک سرعت و کیفیت تحولات این واقعیت را باید در نظر داشت که بورژوازی بزرگ تجاری وابسته، آن بخش از بورژوازی وابسته انزان است که نسبتا کمترین آسیبی در صحنه انقلاب بر آن وارد نیامد. بلکه پس از انقلاب تحکیم یافت. خود را گسترش داد و فرقه رنده است. این بورژوازی در اتحاد با بورژوازی متوسط تجاری رهبری "بازار" را در احسار دارد. دارای سودهای

تاریخی و مشخص بارو حاکمیت محافظه کار راستگراست و با خلعهای سیاسی کواکون آنها در بورژوازی متوسط و کوچک ایران دارای نفوذ است بلکه حتی در میان توده‌های ایران از عود و اعتدال قابل تاکید بر خوردار است و فادراست و روح است و امیربالیسم و مردمی را نیز به سواستی خطرناک و اذیت کننده فتوای است الله گلمالیگانی که دولتی کردن تجارب خارجی را غیر اسلامی می داند و تعارض است الله گنی از قانون اساسی که می گوید لا اله الا الله را از اصول قانون دولتی کردن تجارب خارجی مستثنی سازد هرگز مدراحت معنی مافع و عود بورژوازی بزرگ تجاری را بار می دهنند. نیروهای بورژوازی در حاکمیت برخلاف سروهای مدافع انقلاب در حاکمیت در سازمانهای سیاسی و صغی خاص خود متشکلند و سازمان یافته سارده می کنند.

سرعت و نیز اشکال بعسر ترکیب طبقاتی نیروهای که در سطوح رهبری جا گرفته اند و با اسالانس مراکز کور را در دست دارند. بکه در الهاده سرامست و سرتوش سازی است. این تغییرات در اشکال متوعی می تواند صورت گیرد. نمودن سرتوشی دولت موقت بازرگان با عزل بنی بدر تجربه‌های برده‌ای در این رسمه هستند. با دست آوردن اکثریت پارلمانی و دیگر شیوه‌های انتخاباتی نیز امکان دارد ترکیب طبقاتی نیروها در سطوح رهبری دستخوش تغییرات جدی گردد. روشن است که بعسر ترکیب طبقاتی نیروها در مراکز تصمیم گیری تنها اشکال محدود محدود است. بدون تردید روند بازگشت انقلاب با تصمیم‌های بر دامنه‌های جمهوری اسلامی از سروهای راست مدافع انقلاب همراه خواهد بود. این روند هم اکنون در حال گسترش است.

سیر تحولات مکرر است گروه بندیهای سیاسی تازه‌ای را هم در بالا و هم در پایین شکل دهد. ارزیابی درست این گروه بندیها در کدرست از مستگیری و مصون اجتماعی و طبقاتی آنها در اتخاذ می درست سیاسی از اهمیت حیاتی برخوردار است. در هر حال نباید فراموش کرد که "خطا امام" جدا از هر نام و عنوان که خود بگیرد - با محتوا و مصون تاریخی - طبقاتی معنی شاخص است. فراموش کردن این مصون تاریخی - طبقاتی و اجداهیت جدی است. یادگیری باید تاکید کرد که "پیسروان راستین خط امام" بیان کننده مافع لایه‌های زحمتکشان قشرهای سیاسی و - در چهار چوب معنی - مافع زحمتکشان بطور کلی هستند - نادیده گرفتن این حقیقت ضربات حیران ناپذیری به سیاست طبقه کارگر ایران، به سی جبهه متحد خلق و به آینده انقلاب ایران وارد خواهد آورد.

حش توده‌ای علیه امیربالیسم، علیه غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انقلاب بر عهده دارد. مبارزه کارگران و دهقانان بی زمین و کم زمین در دفاع از انقلاب و تحقق آمادگی آن هسته اصلی اس حش را تشکیل می دهد. مبارزات پیشه‌وران و کسه، توده کارمندان و روستاگران زحمتکش، زنان و جوانان انقلابی و ترمخواه رکن مهمی از حش توده‌ای میهنان هستند.

طبقه کارگر ایران طی چهار سال و چند ماهی که از انقلاب می گذرد نقش خود را به مثابه نیرویی که پیشاپیش دیگر سروهای اجتماعی از انقلاب دفاع می کند و در راه نیست و تعمیق دستاوردهای آن بیکتر از همه می رزمیده اثبات رسانده است. در سال گذشته، در حش اعتراضی کارگران علیه پیش نویس قانون کار آرای و کلی و سرکام - طبقه کارگر ایران عنوان یک "عامل موثر" در مبارزه میان دو گرایش در حاکمیت جمهوری اسلامی مدافراشت و جبهه نمود. خواست طبقه کارگر ایران دایر بر تدوین قانون کار بر پایه قانون اساسی با سارک فعال خود کارگران و نیز با توجه به نظرات روشن بین ترین مدافعان خط انقلاب در حاکمیت سارک آگاهی حشگر و کیفیت نسبتا مستقل شکل و مستگیری حش کارگری ایران است.

مبارزه کارگران علیه سیاست "استرداد کارخانجات ملی شده" کلان سرمایه داران، مبارزه کارگران علیه روند فضا مدبریت کارخانجات توسط مدرسان لبرال و نمائندگان بخش خصوصی غارتگر، استواری کارگران در مبارزه برای احرای اصل ۱۰۴ قانون اساسی که بر مشارکت فعال کارگران در اداره واحدهای تولیدی و خدماتی تاکید دارد. حلوه‌های درختان دیگری از آگاهی طبقه کارگر ایران است. تلاش بی وقفه خط کارگرسز وزارت کار در انحلال و متلاشی کردن شوراهای سندبگهای کارگری موانع جدی در راه تحکیم و گسترش شکل مستقل حش کارگری مدها آورد. گرایش شکل سز و اتحاد سبیر برخی محافل مربوط به سروهای مدافع انقلاب در حاکمیت اثرات منفی معنی در این زمینه‌ها گذاشت. در شحه حش کارگری هنوز نتوانسته است سازمان براسری مستقلی بوجود آورد و بطور

سراسری شکل یابد. این واقعیت مستقماً بر کیفیت مبارزات طبقه کارگران ایران اثرات منفی صحنی بر جای گذارد، برسدگی آراکاهش می دهد و از وزن طبقه کارگر وقتتی که می باید در سیر تحولات ایفا کند می کاهد.

در عمارت اخیر جنبش کارگری ایران از طریق اخراج بسیاری از کارگران مبارزان مرکز توله پدی و غدماتی آسیبهای جدی دیده است. سرکوب حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران - بهترین ضربتی است که بر جنبش کارگری ایران وارد آمده است. با این همه جنبش کارگری ایران از جنان حدی از شکل و آگاهی برخوردار است که بتواند در توقف ساختن پیشروی امپریالیسم و راستگرایان و تحکیم مواضع انقلاب در حاکمیت در راه ایفای نقش تاریخی که بر عهده دارد گامهای موثری به پیش بردارد.

جنبش توده های دهقانی که یکی از ارکان جنبش انقلابی ایران علیه امپریالیسم، علیه غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی است در مین یکی از سرنوشت سازترین عرصه های پیکار برای تثبیت و تعمیق انقلاب، یعنی مبارزه در راه نابودی بزرگ مالکی رشد و گسترش یافته است. جنبش توده های دهقانی بیشترین ارتباط را با نهادهای مردمی نظیر هیاتهای ۷ نفره، جهاد، بسیج و همچنین با نهادهای پیوند جنبش توده های دهقانی با هیاتهای ۷ نفره، جهاد و بسیج توده های ۴ خدهم آمیزی است. استحکام این پیوند از آنجا نیز هست که بافت اجتماعی این نهادهای انقلابی از جنبش دهقانی متأثر و در بسیاری موارد برخاسته از آن است به علاوه این پیوند، به شما یک عامل بسیار موثر به نطفه بندی تشکلهای دهقانان و یک تاکتیک کردن مجاهدات آنان در انقلاب به ویژه در راستای حل مسائل ارضی و دهقانی کمک بسیار موثری کرده است (چهارمین سال انقلاب، فرخ نگیندار).

حدت مبارزهای که میان دو گرایش در حاکمیت حول ساله ارضی و چگونگی حل آن جریان داشته و دارد، انعکاس مبارزه خادوسرنوشت ساز دهقانان بی زمین و کم زمین با بزرگ مالکان در روستاهای سراسر کشور است. توده دهقانان زحمتکش در این مبارزه نقش قطعی ایفا می کنند و نقش نهادهای مردمی در آن یک نقش فوق العاده حساس است.

جنبش توده های دهقانی که در فرازونشیبهای چهار ساله پس از پیروزی انقلاب بر سر ساله ارضی بر آگاهی عمومی و طبقاتی خود افزوده، اساساً حول تئورهای اسلامی روستایی شکل یافته است. ساخت این تئورها که بر نظارت مستقیم جهاد سازندگی قرار دارد و عمدتاً توسط آن بوجود آمده با ساخت سازمانهای دموکراتیک توده های مانند اتحادیه های دهقانی فاصله دارد از این رو جنبش توده های دهقانی فاقد سازمانهای توده های خاص خود است و این بر مصعبهای جنبش توده های دهقانی می افزاید، بر آنکه یکی آنرا دامن می زند و ازدانته مبارزات دهقانان بی زمین و کم زمین علیه بزرگ مالکی می کاهد.

دهقانان بی زمین و کم زمین پیشروی امپریالیسم و راستگرایان در حاکمیت رادر بازگشت بزرگ مالکان به روستاها و غصب دوباره زمینهایشان - زمینهایی که خود از جنگ بزرگ مالکان بیرون آورده بودند - بطور ملموسی درک می کند و در برابر آن به نحو تئور انگیزی با ستادگی می نمانند. این حقیقت که هاگی از رشد آگاهی دهقانان زحمتکش است بر آگاهی طبقاتی آنان و در گروشنتر ایشان از انقلاب و آماجهای آن می افزاید و جانچه سلیمانان انقلابی فعال در روستاها، در کنار در اندیشان مدافع انقلاب به تصدات خود در دفاع از منافع توده های دهها میلیونی محرومان روستاهای کشور پایبند بمانند امید آن می رود که جنبش توده های دهقانی نقش پراهمیت خود را در توقف ساختن پیشروی امپریالیسم و راستگرایان و تحکیم مواضع انقلاب در حاکمیت در این عرصه مهم پیکار برای پیشرفت انقلابی تا به میزان از حاکمیت برخوردار است. متأسفانه به دنبال رد طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی توسط اکثریت شورای نگهبان نشانه های از عقب نشینی بسیار خطرناک در این عرصه سرنوشت ساز مشاهده می شود. آیت الله حنتی عضو فقهای شورای نگهبان و از چهره های مدافع خط ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ضمن ادعان این حقیقت که "اگر ساله زمین حل نشود ساله انقلاب حل نشد است طی سخنانی در حینار هیاتهای ۷ نفره در خراسان پیشنهاد می کند "اگر مجلس بتواند از اصل ۵۳ قانون اساسی استفاده میکند، به نظر من راهحلی است که نه آن اشکالات را دارد و نه در شورای نگهبان رد می شود". حل ساله ارضی از زاویه در هم شکستن بزرگ مالکی بمانه مناسبات اجتماعی منکی بر استعمار، ستگری و ستکمگی و بزرگترین مانع پیشرفت انقلاب و جامعه، بلکه از زاویه تحقیق قضایی در زمینه تشخیص مشروعیت با عدم مشروعیت مالکیت بزرگ اراضی هیچ سناسی جز تحت بزرگ مالکی از عرض انقلاب و ایفاء بهره کنی و ستگری بزرگ مالکی از

توده های دهها میلیون محرومان روستا ندارد. این یک نمونه دیگر از عقب نشینی خطرناک از سنگر قانون اساسی است که روح آن سانگر محو بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و "تغی هر گونه ستگری و ستکمگی و سلطه گری و سلطه داری" و "استعمار" است. تلاش برای حل ساله ارضی بر پایه اصل ۴۹ قانون اساسی ترک مواضع زحمتکش روستا و در غلطیدن به موضع رفرمسم بورژوازی است.

جنبش توده های دهقانان و بی زمین و کم زمین، توده کارمندان و روستاگران زحمتکش، زنان و جوانان زحمتکش و ترمخواه علیه امپریالیسم علیه غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی و نیز علیه ستگری ساسی، فرهنگی، اجتماعی و دیگر اشکال ستامپریالیسمی و بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری برکن دیگر جنبش انقلابی صحنه است، که می تواند نقش حساسی در سرنوشت آینده ایفا کند.

هم اکنون جنبش توده های دهقانان و بی زمین و کم زمین، علاوه بر کارگران و دهقانان زحمتکش تمامی این اقتدار را که نقش فعالی در آن بازی می کند در بر می گیرد و به ساعه عامل موثری در مبارزه مان دو گرایش در جهت مبارزه علیه سرمایه داری، مفاع بورژوازی بزرگ جاری را به خود انطباق میدهد می کند این جنبش بویژه در راه دولتی کردن حارحی و اتحاد عسرات بنادین در ستسم توزیع داخلی ستگری کرده است. مبارزه انقلابی اس اعمار علیه اشکال مختلف ست سرمایه داری که شرایط ناگوار و تبعیض آمیز زندگی را بر آن حمل می کند بیرون حس توده های رای کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می افزاید و اهرم سرومدی در راه سررف اجتماعی - اعمادی است.

نشانه های، از درآمد حس توده های که خواهان رفع تبعیض و نابرابریهای اجتماعی، در تمام عرصه های کار و زندگی است دیده می شود توجه به اشکال ظهور برآمد توده های، ترکیب طبقاتی آن و ستگیری آن از احمیت جدی برخوردار است. کسب و اشکال واکنش حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به اینگونه برآمدهای توده های نیز واجدهمیت حدی است. اعتراض ساکنان افریعو واکنش حاکمیت در برابر آن بگنونته است.

جنبش انقلابی توده های دهها گونه که خاطر نشان کردیم در سیر تحولات نقش تعیین کننده ای بر عهده دارد. در تحلیل نهایی سرنوشت انقلاب را توده های دهها میلیون مردم زحمتکش رقم می زنند.

مبارزه میان دو گرایش در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بازتاب مبارزهای است که در پایین میان اقتدار و طبقات اجتماعی جریان دارد. لیکن در اینجا نیز باید از ساده کردن قضایا اجتناب کرد. بازتاب مبارزه پایینی هادر بالای ها از منشوری می گذرد که با مصالح طبقاتی متفاوت حتی متضاد ساخته شده است. همین مصالح طبقاتی متفاوت و متضاد، بازتابهای متفاوت و متضاد را در بالا شکل می دهد. هر میزان که مبارزه "ستضعفان" و "کوخنشان" علیه "ستکبران" و "کاخنشینان" در پایین عمق و دانسه گتدی تر می یابد گروه بندیهای سیاسی در بالاترین طبقاتی آشکارتری خواهد دیدافت. تشدید صف بندی طبقاتی در مبارزات پایینی ها به ناگزیر صف بندی طبقاتی در بالای ها را شتاب خواهد بخشید و به آن تأثیر و روشنی آشکارتری خواهد داد. روشن تر خواهد شد که در بالا کدام گروه بندی از "ستضعفان" و "کوخنشینان" دفاع می کنند و کدام از "ستکبران" و "کاخنشینان".

آنچه که غیر قابل تردید است آن است که اگر جنبش انقلابی توده های علیه امپریالیسم، علیه غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی عمق و گسترش یابد، هرگاه توده های دهها میلیون زحمتکش، شهرها و روستاها برای تحقق خواستهای حق طلبانه خود که به پیشبردهم جنبه انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را طلب می کند در صحنه بطور موثرتری حضور یابند، این امر نیروهایی در حاکمیت را که از انقلاب دفاع می کنند و خواهان تحقق آماجهای آنند تقویت خواهد کرد. پیوند های آنان را با جنبش توده های استوارتر خواهد ساخت و در تصحیح انحرافات آنها نقش قطعی برجای خواهد گذاشت. ارتقای سطح آگاهی توده های میلیون زحمتکش رهبرانی را که شایستگی دارند به تصحیح تاریخ اندیشی ها، پندار بافیها، تنگ نظریها و انحصار طلبیهایشان تشویق می کند و به روشن بینی اجتماعی و طبقاتی سوق می دهد.

\* \* \*

در پایان این بخش بجا است بار دیگر حقیقت بزرگی را که در بولتن از بهشت ماه بدان اشاره کردیم بار دیگر تویا" مورد تاکید قرار دهیم: باید عمیقاً به این حقیقت توجه کرد که تحول اوضاع بسودر استیفا قادر به حل هیچیک از تضادهای اجتماعی و طبقاتی در جامعه که اکثریت مردم از آن در رجند نخواهد بود. این تحول در صورتیکه تشبیه گردد "ستضعفان را اغتر و" ستکبران" را فربه تر خواهد ساخت."



مبارزه "مستضعفان" علیه "مستکبران" مبارزه طبقاتی میان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش علیه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، مبارزه برای مبارزه غارتگری سرمایه داری و سبب نابودی آن از یکسو و تداوم و سپس تثبیت غارتگری سرمایه داری از سوی دیگر عمق و زوفا و وسعت و دامنه خواهد یافت. جریان تشدیدتوندن مبارزه را با هیچ "حکمی" نمی توان سدر کرد. این حکم تاریخ است و هیچ فتوا و نیرویی را برای نقابلهای آن نیست. می توان اس مبارزه را به انحراف کشید. می توان موقتا "از سیلان آن جلوگیری" می توان آنرا دچار وقفه ساخت حتی می توان موقتا آنرا درهم شکست، لیکن آن امری که حتی، وقفه ناپذیر و سرنوشتناک است جوشن تاریخ ساز خلی در راه استقلال، آزادی، بهر طرف و عدالت اجتماعی است که بنیان امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا و نیروهای دوست و متحد آنرا درهم می شکنند.

ما در جنبه استقلال، آزادی، بهر طرف و عدالت اجتماعی قرار داریم و علیرغم ناکامیها و مصائب کوچک و بزرگ سرفراز و پیروز از بهر آنکه از منتهای شکر و تاریخ سر بر خواهیم افراشت، ما همواره در جنبه انقلاب مردم، در جنبه توده های دهها ملیونی زحمتکشان شهر و روستا، در جنبه کارگران استوار ایستاده خواهیم ایستاد، اتفاقا "اکنون در زمینه شرافتری که مسلما" با نسبت فدائیان و جانباختگان ما جلای می باید می توان بوداید چهره انقلابیون واقعی را به خلق شناساند. خورشیدانند و دود شدنی نیست و توده های دهها ملیونی زحمتکشان فرصت دارند که از پس ابرهای تیره ای که سیمای خورشید را کور و تیره می کند شفافیت و تابندگی زندگی بخش آنرا دریابند. کلامی که بویزه اکنون می باید بیشتر از هر زمانی مورد تاکید قرار گیرد اینست که قطع نظر از اینکه تغییر تناسب نیروها در حاکمیت تا چه کیفیتی و سرعتی تحول یابد ما روش کار سازمان یافته توده های برای تربیت و تشکیل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و هدایت مبارزه آنان را در راه آماجهای انقلاب و شکوفایی آن پختن خواهیم کرد. کار سازمان یافته، توده های در میان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و هر کجا که توده مردم حضور دارند متشی تغییر ناپذیر است.

### راه نجات انقلاب از بحران کنونی

اکنون که منظره عمومی از لحظه کنونی ترسیم شد، آسانتری می توان نشان داد که بیرون و پشتیبانان راستین خط انقلاب چگونه باید به وظایف خود در راه نجات انقلاب از بحران کنونی عمل کنند. ارزیابی مبنی مجموعه عواملی که انقلاب را در آستانه تعرض به مناسبات اجتماعی پوسیده و متکی بر استثمار فوارتگرانه زحمتکشان تر مرکز دویبه سراسیمه بازگشت کشیده است راه بیرون زفت از بحران کنونی را نشان می دهد. همه واقعات حاکی از آنست که تنها مسیری که انقلاب طی آن قادر به پیشروی و ادامه حیات است، مسیری است که بر نامه حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ترسیم کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راه پیشروی انقلاب در جبهه مسیری را گشوده و به آن رسمیت و قانونیت بخشیده است. در لحظه کنونی معنای تعهد و پایداری خدشه ناپذیر به انقلاب و آماجهای آن جز این نیست که این راه، راه رشد غیر سرمایه داری با گامهای استوار پیموده شود.

حال اگر نیروهای مدافع انقلاب و در رأس همه نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت به خواست و حرکت مبارزه توده کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان نکیه کنند و از بسج و تشکل توده مردم و از افشای مواضع مخالفان بهر طرف انقلاب سببی به خود راه ندهند، هرگاه این نیروها راه اتحاد همه مدافعان انقلاب را در پیش گیرند، وضعیت مبنی در سطح ملی و بین المللی بهیچ وجه احیاب نخواهند کرد که انقلاب ایران از پوست تنگ ملی خود باز ایستد و در سراسیمه بازگشت فرار گیرد.

بدون اتحاد با همه نیروهای که از انقلاب و پیشروی آن در راه تامین همه جانهاستقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دفاع می کنند و در چنین راستایی علیه امپریالیسم و راستگرایان مبارزه می کنند، بدون آنکه به توده های دهها ملیونی زحمتکشان و حضور متشکل آنها در صحنه، نمی توان پیشروی امپریالیسم و راستگرایان را سدر کرد، آنها را بغیب راند و انقلاب را از خطر مسخ و نابودی نجات داد. دیگری می توان از تلاش برای پیشبرد انقلاب سخن گفت ولی هم گام و هم آوا با دشمنان سوگند خوردن انقلاب علیه بهکبرترین و استوارترین دوستان داخلی و خارجی انقلاب راه دشمنی نبود. آنان که این حقایق روشن را در نیابند محکوم به شکست و ناکامی اند.

هداها ان انقلاب در حاکمیت باید بداند که در لحظه کنونی مبارزه بحران انقلاب، بحرانی که هر روز پیچیده تر و خطرناکتری می یابد. در گروهی تلاشهای شجاعانه آنها در درمان بیماریهایشان است. ابتلای لایزال و نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت به این بیماریها، محیط مساعد کنونی را برای پیشروی

امپریالیسم و راستگرایان فراهم آورده است. گام نخست در پی اثر کردن توطئه های امپریالیسم و راستگرایان حرکت شجاعانه و انقلابی در راه سالم سازی محیط آلوده کنونی است. به این منظور با قاطعیت می باید به تدابیر عاجل زیر جامعه عمل پیوستند. زمان دیر است و جایی برای دفع الوقت باقی نمانده است.

● باید با شجاعت تمام در راه پایان شرافتندانه جنگ تحمیلی به خلقهای ایران و عراق کوششهای واقعی شریخی صورت گیرد. شرط مقدم شریخی این کوششها آنست که سرنوشت رژیم صدام از سرنوشت این جنگ تحمیلی جدا گردد و بر اساس دفع تجاوز و حفظ تمامیت ارضی ایران راههای پایان دادن به جنگ جستجو شود.

● استثمار فوارتگرانه زحمتکشان، بار سنگین تورم، گرانی سرسام آور ارزاق عمومی، بحران حاد مسکن، احتکار جنایتکارانه مایحتاج مردم، بی اعتنائی سوجدیوانه برخی مسئولان بلند پایه، بویزه در وزارتخانه های که با مشکلات اقتصادی و نیازهای عمومی مردم درارتباطند و زدوبند آشکار و قبیحانه این مسئولین با تاجران عمده بازار و محترکان، مردم زحمتکش را بویزه سودجویی مثنی بزرگ تاجران بازار و طرفداران آنها در حاکمیت کرده است. این همه پیامد ناگزیر تداوم فوارتگری سرمایه داری و نتیجه تعلق اصلاحات بنیادین اجتماعی-اقتصادی و تعلق اصول مردمی و عدالت-خواهانه قانون اساسی است.

یگانه راه واقعی درمان این نابسامانیهای اجتماعی اجرای پیگیر و بدون خدشه اصول مردمی و ترقی خوانانه قانون اساسی است. یگانه راه، انجام قاطع اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی و مقدم بر همه تصویب و اجرای انقلابی قانون اصلاحات بنیادین ارضی و دولتی کردن تجارت خارجی است.

● ناتوانی نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت در مهار پیشروی مدافعان غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی که با انجام اصلاحات بنیادین سود مستضعفان مخالفند و با تمام نیرو در اجرای اصول مردمی قانون اساسی کارشکنی می کنند از جمله به این دلیل است که این نیروها از تکیه بر توده های دهها ملیونی زحمتکشان هراس دارند و از مشارکت واقعی توده های مردم در حل و فصل مسائلی که به منافع آنها و سرنوشت انقلاب مربوط می شود گریزانند، این ضعف جدی در نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت آنها را به غرقاب سیاست مناسبات با راستگرایان کشانده و در عمل به تسلیم خاکریزهای انقلاب به مسخ کنندگان روح ضد امپریالیستی و مردمی قانون اساسی انجامیده است. باید بر این ضعف جدی و بیماری مهلک چیره شد. برای برداشتن نخستین گام در درمان این بیماری باید حقایق را با مردم در میان گذاشت و کسانی را که بنام "علم و دین از مبارزه در دفاع می کنند" شجاعانه در پیشگاه مردم افشا کرد. این نخستین گام برای بسیج توده های دهها ملیونی مردم - این صاحبان اصلی انقلاب در راه نجات انقلاب از بحران کنونی است. بدون چنین کاری ایستادگی در سنگر قانون اساسی غیر ممکن است و بزودی این مهمترین سنگر انقلاب، تمام و کمال توسط راستگرایان فتح خواهد شد.

● زیر شعار نه شرقی، نه غربی، دستهای پنهان و آشکار، در کار بازسازی و گسترش مناسبات اسارت آور با امپریالیستها از جمله شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا هستند. با پیشبرد روندهای پنهان و آشکار بازسازی و گسترش مناسبات با امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا را برای غارت منابع ملی کشور توسط انحصارات امپریالیستی هموار می گردد. در صورتیکه این روند سدن شود دیر نخواهد بود که استقلال سیاسی بدست آمده، این عزیزترین دستاورد انقلاب ۲۲ بهمن و گرانبهارترین نسرده فداکاریهای عظیم مردم انقلابی سپهتان با پمال دشمنان استقلال و آزادی میهن خواهد شد. روند بازسازی و گسترش مناسبات با امپریالیسم باید بهیچ رنگ متوقف نگردد و کسانی که پنهان و آشکار در این راه کوشیده و می کوشند در پیشگاه مردم رسوا شوند.

● بیش از ۵ ماه از بازداشت دیر او بود دیگر رهبران حزب توده ایران می گذرد. متعاقب بازداشت آنها و در راههای کارزار تبلیغاتی برداشته ای که با نمایش سربال تطویزونی "شکجه مو شلاق" سازمان یافت، حزب توده ایران بگونه ای که آشکارا خلاف قانون اساسی است غیر قانونی اعلام گردید و کلیه اعضا و هواداران آن تحت شدیدترین پیگرد های پلیسی به مراکز سپاه پاسداران فراخوانده شدند. هزاران تن از اعضا و هواداران حزب توده ایران، حزبی که پیگیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا و دوستان و جاسوسان آن دفاع کرد موصدا شهید در راه پاسداری از انقلاب و دستاوردهای به پیشگاه خلق تقدیم داشته است در زندانهای جمهوری اسلامی ایران سربری برند. بازداشت رهبران، اعضا و هواداران حزب، شکنجه و سرکوب وحشیانه آنها، اعلام انحلال غیر قانونی حزب توده ایران به اتهام جانوسمی بزای شوروی یکی از مهلکترین

توطئه‌های آمریکا برای به زانو درآوردن انقلاب میهنمان بوده است که با طراحی و تشویق سازمان سیا و انتلیجنت سرویس تدارک و بامیدان داری جاسوسان سیا و انتلیجنت سرویس که در سراپای ارگانهای جمهوری اسلامی رخنه کرده اند به مرحله اجرا درآمده است. هدف اصلی این توطئه شوم و خونبار تخریب روند نزدیک مسلمانان انقلابی با پیروان اصیل سوسیالیسم علمی در ایران و جهان بوده است. همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه میهن و بشریت ترقیخواه بگونه‌ای یکپارچه که در طول تاریخ کم سابقه است، در راه خنثی کردن نتایج این توطئه آمریکا می‌کوشند که همه هستی انقلاب ما را زیر ضربت خود دارد پیشنهاد کرده اند هبشتی از ناظران بیطرف حقوقی و پزشکان و کارشناسان بیطرف ترقیخواه و مدافع انقلاب ایران تشکیل بدهند. اعزام گردد ناشیوه‌های بازجویی و کسب اقرار از رهبران حزب را بررسی کرده و افکار مردم ایران و جهان را از حقایق مربوط به آن آگاه سازد. سکوت مخالفت آمیز بقامات مسئول در این باره، این واقعیت را که هیچگونه دلیل مستقل و سند مدرک مستندی برای اثبات اتهام رهبران حزب دایره بر جاسوسی برای غیروی وجود ندارد در سطح آذهان و سینه‌تری به اثبات می‌رساند. به نظر ما، برداشتن گامهای عملی برای محدود کردن ویی اثر کردن نتایج شوم اجرای این توطئه در مسئولیت و عهد انقلابی همه نیروهای مدافع انقلاب در داخل کشور است. امروز شرافت انقلابی و اصالت اخلاقی و انسانی مدافعان خط انقلاب در حاکمیت در گرو برداشتن گامهای عملی در این زمینه است. ما از نیروهای طلبیم که در راه انجام مسئولیت و تصد خود به انقلاب و مردم شجاعانه گام بردارند. ما از نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت می‌طلبیم که در راه پایان بخشیدن به جواکنده از ترس و ارباب، ناآرامی و تشنج ویی شباتی سیاسی که خود از اهداف طراحان و اجرا کنندگان اصلی این توطئه بوده است قاطعانه اقدام نمایند و نگذارند "حقوق ملت" و آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی بیش از این پایمال و در تعلیق باقی بماند.

فقا، دوستان!

ما همان گونه که سنت انقلابی جنبش ما است، به مبتدیان خود با خلق وفادار باقی می‌مانیم و به پیروی از متی انقلابی سازمانمان، از انقلاب آن تا به آخر دفاع می‌کنیم و لحظه‌ای از افشای توطئه‌های امپریالیسم و راستگرایان که در راه مسخ و شکست انقلاب بزرگ مردم ما سازمان می‌یابد باز نخواهیم ایستاد. ما متادی بیگروختگی ناپذیر اتحاد همه نیروهای هستیم که از انقلاب و ما جبهای آن دفاع می‌کنند. خواهان پیروی انقلابند و ماده اند با مبارزه علیه امپریالیسم و مدافعان غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و سازش با امپریالیسم در حبه مردم و انقلاب باقی بمانند. ما از ضافع کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه، توده کارمندان و روشنفکران زحمتکش، زنان و جوانان ترقیخواه دفاع می‌کنیم و با تحکیم پیوندهای استوار خود با این جبهه خروشان و تاریخ ساز خلق، در راه استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی به مبارزه سرفراز و ظفر نمون خود ادامه خواهیم داد. ما که همواره پیگیر و خستگی ناپذیر خط مدافع غارتگری سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و سازش با امپریالیسم در درون و بیرون را شجاعانه افشا کرده و می‌کنیم باید بدانیم که آماج گنه‌توزانه‌ترین دشمنی جریان محافظه کار راستگرا هستیم. دشمنان انقلاب خواهند کوشید که از سیاست پیگیر ما در دفاع از انقلاب و ما جبهای آن و مبارزه در راه اجرای قانون اساسی بجانهای بتراشند تا ما را در حبه براندازی جمهوری اسلامی قرار دهند. باید با هشاری با این ترفند ضد انقلابی مقابله و آنرا خنثی کنیم.

امروز وظیفه عاجل رفقا است که در راه تحکیم پیوندهای سازمان با مردم انقلابی میهنمان و همه نیروهای مدافع انقلاب بیش از پیش بکوشند. درستی و حقانیت برنامه و متی انقلابی سازمان را برای آنان توضیح دهند و مردم انقلابی را به دفاع از انقلاب و ایستادگی در برابر پیخروی راستگرایان و مبارزه در راه پیشبرد همه جانیه ما جبهای انقلاب تشویق و ترغیب، بسیج و متشکل کنند. وظیفه تاخیر ناپذیر ما است که با تمام نیرو برنامه و سیاستهای سازمان، تحلیل سازمان از بحران کنونی و راه برون رفت آن را برای همگان توضیح دهند. برای هر آن کس که گوشه شنیدن و چشمی برای دیدن و قلبی برای تبیین در راه انقلاب دارد.

.....

۲۰ تیر ۱۳۶۲